

تحلیل مضامین اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب^۱لیلا کلیج^۲سید وحید عقیلی^۳حسن خجسته^۴

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان یکی از کلیدی‌ترین اسناد و منابع قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در کشور محسوب می‌شود، لذا فهم و تفسیر آن می‌تواند در ارتقای بینش مخاطبان، نقش مؤثری داشته باشد و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در تدوین سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... راهنمایی کند. این پژوهش به دنبال یافتن مسایل اقتصادی مدنظر مقام معظم رهبری در حوزه‌ی اقتصادی در بیانیه گام دوم با روش تحلیل مضمون انجام شده است. براین اساس، برای یافتن مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب، ابتدا ۴۳ گزاره‌ی کلیدی مرتبط با حوزه‌ی اقتصاد از متن بیانیه احصا شد، سپس با بررسی این عبارات ۲۱ مضمون پایه به دست آمد. با دسته‌بندی مضامین پایه به ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت ۴ مضمون فراگیر به دست آمد. ارتباط این مضامین فراگیر و سایر مضمون‌ها در قالب شبکه‌ی مضامین ترسیم شد. در بخش انتهایی نیز ۴ مضمون فراگیر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصادی برگرفته از مفاهیم اقتصادی بیانیه مورد بحث و مذاقه قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، اقتصاد، تحلیل مضمون، مؤلفه‌های اقتصادی

۱. برگرفته از رساله دکتری

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

kalij.kalij@yahoo.com

۳. دانشیار بازنشسته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

۴. استاد دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

دین مبین اسلام در تمام زمینه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و... مقتضیات رشد و پیشرفت بشر را در نظر گرفته و موانع رشد و پیشرفت را بازگو کرده است، یکی از بنیادی‌ترین عوامل رشد و پیشرفت انسان‌ها مسئله‌ی اقتصاد است. اگر اقتصاد جامعه یا اقتصاد خانواده‌ها دچار مشکل باشد و مردم با تنگدستی و محرومیت اقتصادی به سر ببرند، هیچگونه باور اعتقادی و رفتار اخلاقی را پذیرا نخواهند بود، بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان منشور تداوم مسیر آینده انقلاب اسلامی، با تأکید بر حفظ انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن به تبیین اجمالی پیشینه‌ی انقلاب اسلامی، دستاوردها و ظرفیت‌های موجود آن پرداخته و چشم‌انداز آینده انقلاب اسلامی را در چند محور تشریح و تبیین کرده که سومین محور آن اقتصاد است. مقام معظم رهبری با درکی عمیق از مسئله‌ی اقتصاد معتقد هستند که ثروتمند کردن جامعه، افزایش ثروت ملی، گسترش رفاه عمومی و توزیع عادلانه‌ی منابع عمومی، در اسلام یک ارزش است که با تحقق این نگاه، در عین وجود تفاوت در جامعه، شکاف طبقاتی به وجود نخواهد آمد.^۱ در این پژوهش با استخراج مضامین اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب به شبکه‌ای از مضامین اقتصادی شامل دستاوردها و برکات اقتصادی انقلاب اسلامی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصادی انقلاب در گام دوم و توصیه‌های اساسی برای تحقق اقتصاد قوی که نفوذپذیر و سلطه‌پذیر نباشد، دست یافته شد.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این پژوهش بدست آوردن مضامین اقتصادی به کار رفته در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است. همچنین سؤال اصلی تحقیق عبارت است از این که مضامین و مفاهیم مهم مدنظر رهبر معظم انقلاب در حوزه‌ی اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب چه بوده است؟

۳. پیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که با وجود فراوانی سخنان تحلیلی، همایش‌ها و

۱. بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

نشست‌های مربوط به بیانیه گام دوم، پژوهش‌های علمی و کاربردی بسیار کمی در این خصوص انجام شده است و بعضی از پژوهش‌های علمی و دانشگاهی نیز در حال انجام است. در ذیل چند مورد از تحقیقات انجام شده به اجمال معرفی می‌شود.

محسن کشاورز (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «طراحی نظام مسایل اقتصاد ایران مبتنی بر تحلیل تفسیری ساختاری بیانیه گام دوم انقلاب» انجام داده است. در این پژوهش ابتدا بر اساس روش تحلیل مضمون، مجموعه مسائل اقتصادی کشور احصاء شده؛ سپس با بهره‌گیری از روش تفسیری ساختاری (ISM)، نظام مسائل اقتصاد ایران استخراج گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسائل اقتصاد ایران سه ضلع ساختاری، مدیریتی و بین‌المللی است و در سطح سطح جانمایی می‌گردد. دولتی بودن اقتصاد در سطح اول، غفلت از اقشار نیازمند و ظرفیت‌های بهره‌بردار نشده در سطح دوم، فساد اقتصادی، نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی و بودجه‌بندی معیوب در سطح سوم، تبعیض در بهره‌مندی از منابع عمومی، وابستگی اقتصادی به نفت، بیکاری جوانان، تحریم اقتصادی، وسوسه‌های دشمن، عدم رعایت اولویت‌بندی‌ها و عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی در سطح چهارم، شکاف طبقاتی و فقر درآمدی در سطح پنجم و وجود هزینه‌های زائد در سطح ششم از نظام مسائل اقتصاد ایران جای می‌گیرد.

سید محمد مقیمی (۱۳۹۷)، با رویکرد تحلیلی-توصیفی الگوی مفهومی و منظومه فکری بیانیه گام دوم انقلاب را ارائه کرده است. علی‌ترابی کلاته قاضی (۱۳۹۹)، با تحلیل و بررسی بیانیه از منظر راهبردی و با استفاده از روش تحلیل مضمون گزاره‌های تحلیل وضع موجود انقلاب، سلسله مراتب اهداف انقلاب، مبانی و اصول حاکم، سیاست‌ها و راهبردهای حرکت انقلاب اسلامی در گام دوم احصاء و ارائه کرده است.

مریم رحمانی (۱۴۰۰)، با ارائه استراتژی‌های عملی نقش ناجا در ساخت و باز ساخت سبک زندگی ایرانی-اسلامی با تأکید بر منویات رهبری در بیانیه گام دوم و مبتنی بر تکنیک دلفی مورد بررسی قرار داد.

ابوذر گوهری مقدم (۱۴۰۰)، با رویکرد تحلیلی و روش تحلیل مضمون به تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دستگاه سیاست خارجی ایران، بدون اعتماد به آمریکا و دلخوشی به مذاکره با آن بایستی بیش از پیش زمینه را برای حضور فعال منطقه‌ای ایران فراهم سازد تا بتواند

جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی زمینه سازی کند.

صرف نظر از دست آوردهای ارزنده و سودمند پژوهش‌های مذکور به نظر می‌رسد؛ هیچ یک از این تحقیقات به طور مستقل و واضح، ابعاد اقتصادی بیانیه را مورد مذاقه و بررسی قرار نداده‌اند. این پژوهش می‌کوشد تا مفاهیم کلیدی و راهبردی در حوزه‌ی اقتصاد را از متن بیانیه احصاء نماید.

۴. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

بیانیه: بیانیه یا مانیفست^۱ متنی است که یک شخص یا گروه از آن برای بیان اصول، عقاید و اهداف خود خطاب به مردم استفاده می‌کند. رسمیت بیانیه‌ها، با توجه به بیان‌کننده‌ی آن‌ها و مطالب بیان‌شده، به دودسته‌ی رسمی و غیررسمی طبقه‌بندی می‌گردد. به گفته‌ی فرهنگ عمید، مانیفست یک نوشتار است که در آن، یک گروه یا حزب، نظریه سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فلسفی، هنری یا ادبی خود را اعلام می‌کنند. مانیفست هنری توسط بنیانگذاران یک سبک یا مکتب جدید هنری، خطاب به هنرمندان دیگر و همچنین مردم است. این مانیفست‌ها، معمولاً تعیین‌کننده‌ی خط مشی‌ها و اصول و عقاید پیشروان یک سبک یا مکتب به‌شمار می‌آیند.

بیانیه گام دوم انقلاب: بیانیه گام دوم انقلاب مانیفستی برای گام دوم انقلاب اسلامی است که مقام معظم رهبری به عنوان کسی که در شکل‌گیری و تداوم انقلاب نقش تعیین‌کننده داشتند و هم گذشته و هم آینده را به خوبی رصد کرده‌اند، نوشته‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب در حقیقت یک سند سیاسی برنامه‌ای کلان برای نظام جمهوری اسلامی است که در طلیعه ۴۰ سال دوم تدوین شده است؛ این بیانیه از یک منظر تجربه‌جدیدی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری کلان برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و به نسبت خیلی از سند‌های سیاسی که در ۴۰ سال نخست انقلاب تدوین شده است، کامل‌ترین و جامع‌ترین نگاه هم به لحاظ روشی و هم به لحاظ محتوایی دارد. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه توصیه‌هایی در هفت بند ارائه داده‌اند که بند سوم آن به موضوع اقتصاد اشاره دارد که این پژوهش با تمرکز بر این بند انجام شده است.

اقتصاد: یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری

است. واژه‌شناسان، از ماده قَصَدَ در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۵۴۴). همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود (آقانظری، ۱۳۸۵: ۳۹).

ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه. آدام اسمیت: اقتصاد، علم بررسی ماهیت علل ثروت ملل است. استوارت میل: اقتصاد عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع (لویس، ۱۳۷۳: ۸).

بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می‌پردازد، علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد. آلفرد مارشال معتقد است؛ اقتصاد، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه‌ای و در تعریف دیگر، علم اقتصاد بررسی کردارهای انسان در جریان عادی زندگی اقتصاد یعنی کسب درآمد و تمتع از آن برای تربیت دادن زندگی است.

۵. روش پژوهش

رشد سریع پژوهش‌های کیفی در سالهای اخیر، منجر به برداشتن گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی آنها شده است. با این حال، هنوز به اندازه‌ی کافی ابزارهای مناسبی برای تحلیل داده‌های کیفی وجود ندارد. در حالی که به مسائل مربوط به چرایی، چگونگی و زمان به کارگیری روش‌های کیفی، توجه ویژه‌ای شده است؛ اما به نحوه‌ی تحلیل داده‌های متنی که پژوهشگران کیفی در مرحله‌ی پایانی جمع‌آوری داده‌ها عرضه می‌کنند، کمتر توجه شده است. کسب نتایج مفید در پژوهش‌های کیفی با استفاده از ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیل امکان‌پذیر است. این موضوع، یکی از مشکلات پژوهشگران، خصوصاً پژوهشگران علوم اجتماعی در استفاده از روش‌های کیفی است. یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی که از اهمیت زیادی برخوردار است، تحلیل مضمون است.

تحلیل مضمون، ضمن این که خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در سایر روش‌های تحلیل کیفی مانند تحلیل روایتی، تحلیل نشانه‌شناختی، نظریه‌ی زمینه‌ای و ... نیز مورد استفاده قرار گیرد. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده و ظریف هستند و تحلیل تم بایستی به عنوان یک روش اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵: ۵۱).

- معرفی روش پژوهش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از شیوه‌های متداول تحلیل محتوا و روشی برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه است. به زعم اربابان پژوهش، تحلیل تم نخستین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید فرا بگیرند، زیرا این روش، مهارت‌های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می‌آورد (Braun and Clarke, 2006). از آنجایی که این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند، برخی از پژوهشگران آن را روش ندانسته و از آن به عنوان ابزار با فرایندی برای استفاده در سایر روش‌های پژوهش یاد می‌کنند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون در کمترین حالت، مجموعه‌ی داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد. این روش همچنین از این حد فراتر می‌رود و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. تحلیل مضمون به پژوهشگر اجازه می‌دهد که به جست و جوی تم‌های آشکار و پنهان پرداخته و سپس آنها را تفسیر نماید. به همین دلیل، این روش از طرفی به عنوان یک روش پژوهش کیفی مستقل مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طرفی دیگر هم به عنوان پایه‌ای ورودی برای سایر روش‌ها که فراتر از تفسیر و به سمت ساخت نظریه، با شکار جوهره و ارائه‌ی مدل حرکت می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده‌ی نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است. در تکنیک تحلیل مضمون اطلاعات بر اساس موضوع در دسته‌های معنادار طبقه بندی می‌شوند تا بتوان نظر پاسخ‌دهندگان را خلاصه و تحلیل کرد. تحلیل مضمون مزیت‌هایی دارد که نمی‌توان در انتخاب به عنوان روش پژوهش کیفی از آن چشم پوشید.

- مراحل انجام پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون

فراگرد تحلیل مضمون زمانی آغاز می‌شود که الگوهای معنی‌دار و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را مورد نظر قرار می‌دهد. این فرآیند شامل یک رفت و برگشت، بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود، به طور کلی، هیچ راه منحصر به فردی برای شروع مطالعه در مورد تحلیل مضمون وجود ندارد. تحلیل مضمون فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد (Braun and Clarke, 2006: 7). به علاوه، تحلیل مضمون فراگردی است که در طول زمان انجام می‌پذیرد. مراحل مختلفی برای انجام تحلیل مضمون معرفی شده که شباهت‌هایی زیادی دارند. در این مقاله روش پیشنهادی براون و کلارک^۱ (۲۰۰۹) که فرآیند گام به گام و جامعی جهت تحلیل مضمون است، استفاده شده است.

آشنایی با داده‌ها: برای اینکه پژوهشگر با عمق و گستره‌ی محتوایی داده‌ها آشنا شود، لازم است که خود را در آن‌ها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد، «غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل» بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است. همچنین می‌دانیم ابزار مصاحبه عمیق برای پژوهشگر امکان اخذ داده‌های عمیق و سپس پیاده‌سازی و علامت‌گذاری چندباره آنها را فراهم می‌آورد. تعیین حجم مشخصی از داده‌ها از بین داده‌های مختلف مرتبط با موضوع و مطالعه مکرر این داده‌ها ضروری است. پژوهشگر، ضمن بررسی اولیه داده‌ها باید نکاتی را درباره ارتباط پاداشت‌ها با یکدیگر، ثبت نماید تا در تحلیل نهایی از آنها استفاده نماید. یادداشت‌برداری؛ فرآیند منعطف، سیستماتیک و مداوم در فرآیند بررسی داده‌هاست و باعث شناخت عمیق پژوهشگر از داده‌ها می‌شود. در اینجا، پژوهشگر باید یادداشت‌ها را با ذکر عنوان، تاریخ و منبع آنها ثبت نماید، این یادداشت‌ها می‌توانند دستی، در نرم افزار یا به صورت صوتی باشند (روهود^۳ ۲۰۱۶).

1. Braun and Clark
2. Familiarity with the Datas
3. Ruhode, 2016

ایجاد کدهای اولیه^۱: مرحله‌ی دوم، زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر داده‌ها را خوانده و با آنها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که از نظر تحلیل‌گر جالب است. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل مضمونها متفاوت هستند. اگر تحلیل مضمون را به یک ساختمان تشبیه کنیم، مضمون‌ها مانند دیوار و سقف و، کدها مانند آجرها و کاشی‌های به‌کاررفته در ساختمان هستند (Braun and Clarke, 2006: 16). کدها اجزای اصلی تحلیل مضمون می‌باشند و در واقع نام یا برجسب‌هایی هستند که توسط پژوهشگر به قسمتی یک جمله یا پاراگراف از داده‌ها اطلاق می‌شوند و با سؤال‌های پژوهش ارتباط زیادی دارند. در مرحله‌ی ایجاد کدهای اولیه، داده‌ها به گروه‌های معنی‌دار تبدیل می‌شوند. این مرحله شبیه کدگذاری در سایر روش‌های کیفی است در اینجا پژوهشگر با مطالعه متن داده‌ها، اگر قسمتی از داده‌ها، برای سؤال پژوهش معنا و مفهومی داشته باشد، آن قسمت را تحت یک عنوان یا نام مشخص نام‌گذاری می‌کند. پژوهشگر باید بین آن قسمت مشخص از داده‌ها و عنوان انتخاب شده، ارتباط برقرار کند و به نوعی نشان دهد که این عنوان یا کد را از کدام قسمت داده‌ها استخراج کرده است (روهود ۲۰۱۶). برای نشان دادن ارتباط کدها و متن داده‌ها جدولی به صورت زیر ترسیم کرده است.

جدول ۱- نمونه جدول نمایش ارتباط کدها با متن داده‌ها در پژوهش روهود (۲۰۱۶)

مضمون	تحلیل متن	متن استخراج شده	سند سیاسی
در این ستون، مضمون نهایی انتخاب شده، ثبت می‌شود.	در این ستون، تحلیل نویسنده از متن ذکر می‌شود.	در این ستون، قسمتی از متن که برای کدگذاری استفاده شده ذکر می‌شود.	در این ستون، عنوان سند سیاسی ذکر می‌شود.

جستجوی مضمون‌ها^۲: این مرحله پس از کدگذاری کل متن داده‌ها آغاز می‌شود و شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضمون‌های بالقوه، و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضمون‌های مشخص است. در واقع پژوهشگر، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک مضمون کلی ترکیب شوند (Braun and Clarke, 2006: 18). پژوهشگر در مرحله‌ی جستجوی مضمون‌ها،

1. Generate Initial Codes
2. Search for Themes

منفعل نیست، به عبارتی، مضمون‌ها خود به خود ایجاد نمی‌شوند؛ بلکه این پژوهشگر است که به صورت فعال از طریق تفسیر و گزارش کدهای اولیه، اقدام به شناسایی مضمون‌ها می‌نماید (رو هود ۲۰۱۶). در تحلیل مضمون اسناد سیاستی مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات، کدهای اولیه شناسایی شده را که در قالب چهار مضمون (۱) فناوری، (۲) محیط، (۳) سازمان و (۴) افراد دسته‌بندی کرده است و در یک جدول ابتدا عنوان مضمون را ذکر کرده و در ستون مقابل هر مضمون، توصیفی از آن مضمون ارائه کرده است.

بازبینی مضمونها: این مرحله، زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر مجموعه‌ای از مضمون‌ها را ایجاد کرده و اکنون آنها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه مضمون‌ها است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار مضمون‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها بررسی می‌شود (Braun and Clarke, 2006: 19) با بررسی مجدد و پالایش بیشتر مضمون‌ها، سعی می‌شود تا مضمون‌ها به اندازه کافی، خاص، مجزا و غیر تکراری و نیز به اندازه کافی، کلان باشد تا مجموعه ایده‌های مطرح شده در بخش‌هایی از متن را در بر گیرند. این کار باعث کاهش داده‌ها و تبدیل آنها به مجموعه‌ای از مضامین مهم پذیرفتنی و کنترل‌پذیر می‌شود که مبین چکیده و خلاصه‌ای از متن اصلی است. در این مرحله می‌توان از ماتریس مضامین و تحلیل مقایسه‌ای نیز استفاده کرد. پژوهشگرانی که از روش تحلیل مضمون استفاده می‌کنند، فهرست اولیه مضمون‌های شناسایی شده را منتشر نمی‌نمایند؛ اما واضح است که پژوهشگران از ابتدای مرحله جستجوی مضامین با مضامین مشخص، دقیق و غیر تکراری روبرو نیستند، بلکه پس از بارها بررسی و پالایش مضمون‌ها، به فهرستی مشخص از مضمون‌های موجود در متن داده‌ها دست می‌یابند. اگر نقشه مضمون‌ها به خوبی تدوین شود، آنگاه می‌توان به مرحله بعدی رفت اما، چنانچه این نقشه به خوبی با مجموعه داده‌ها همخوانی نداشته باشد، پژوهشگر باید برگردد و کدگذاری خود را تا زمانی که یک نقشه مضمون رضایت بخش ایجاد شود، ادامه دهد. پژوهشگر در انتهای این مرحله باید آگاهی کافی از اینکه مضمون‌های مختلف کدام‌ها هستند، چگونگی تناسب آنها با یکدیگر و کل داستانی که آنها درباره داده‌ها می‌گویند در اختیار داشته باشد.

تعریف و نام گذاری مضمون‌ها^۱: مرحله پنجم زمانی شروع می‌شود که یک نقشه رضایت‌بخش از مضمون‌ها وجود داشته باشد. پژوهشگر در این مرحله، مضمون‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف کرده و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد، سپس داده‌های داخل آنها را تحلیل می‌کند. به وسیله تعریف و نام گذاری کردن، ماهیت آن چیزی که یک مضمون در مورد آن بحث می‌کند، مشخص شده و تعیین می‌گردد که هر مضمون کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد (Braun and Clarke, 2006:21). نامگذاری مضمون‌ها باید دقیق باشد به گونه‌ای که به سرعت حسی را به خواننده منتقل کند و نشان دهد که این مضمون راجع به چه مسائلی است و چه چیزی را درباره سؤال پژوهش منتقل می‌کند.

تهیه گزارش^۲: در عمل، نگارش پژوهش‌های تحلیل مضمون از مرحله اول (ایجاد کدهای اولیه) آغاز می‌شود و در طول فرآیند تحقیق ادامه می‌یابد. این کار باعث می‌شود، تحلیل داده‌ها و نگارش گزارش پژوهش، همزمان انجام شود و پژوهشگر همواره در حال رفت و برگشت بین داده‌ها و گزارش‌دهی باشد. اما، نگارش گزارش نهایی زمانی صورت می‌گیرد که مضمون‌های خوب کار شده و آب دیده ایجاد شده باشد. این مرحله به صورت گزارش‌های مکتوب و همچنین تحلیل‌های نهایی آورده می‌شود. گزارش پژوهش در تحلیل مضمون صرفاً نباید به صورت توصیفی باشد بلکه باید روایت تحلیلی از داده‌ها ارائه دهد و در واقع بحثی را درباره سؤال پژوهش شکل دهد (Braun and Clarke, 2006:23).

- منابع و روش جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌گیری در تحلیل مضمون^۳

در تحلیل مضمون مانند سایر روش‌های کیفی از منابع اطلاعاتی مختلفی استفاده می‌شود. دامنه این روش‌ها از مصاحبه، فنون مشاهده‌ای نظیر مشاهده مشارکتی و کار میدانی تا اسناد و مدارک، گزارش‌ها و دست‌نوشته‌ها را در بر می‌گیرد. به طور کلی، این منابع به دو دسته منابع اولیه شامل مصاحبه، مشاهده مشارکتی و غیر مشارکتی، خاطرات و منابع ثانویه شامل تجارب شخصی، ادبیات موجود تفکیک می‌شوند. ادبیات پژوهش معمولاً به ادبیات فنی و

1. Definition and naming of themes
2. Prepare a report
3. Sources and methods of data collection and sampling in Thematic Analysis

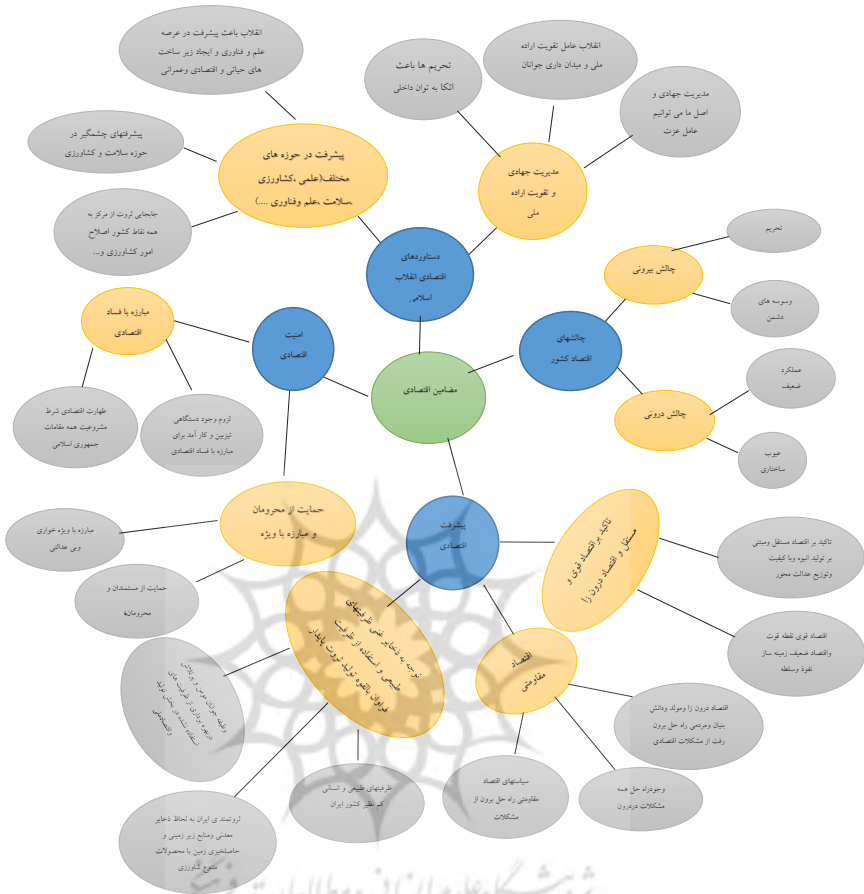
غیر فنی تفکیک می‌شود، ادبیات فنی شامل مطالعات پژوهشی، مقالات فلسفی و نظری است. اینها مواردی هستند که پژوهشگر می‌تواند یافته‌های خود را با نتایج آنها مقایسه نماید. ادبیات غیر فنی شامل بیوگرافی، خاطرات روزانه، مدارک، گزارش‌ها و کاتالوگ‌هاست. در این روش پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود. تصمیم‌ها درباره نمونه‌گیری در خلال فرآیند پژوهش شکل می‌گیرند. نمونه‌گیری نظری صرفاً، مستلزم جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مضامین است. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری، کفایت نظری مضمون است. وقتی کفایت نظری حاصل شد، هیچ نوع داده‌های اضافی نمی‌توان یافت که پژوهشگر به وسیله آنها بتواند خواص با ویژگی‌ها یک مضمون را تدوین کند. «چارمز» معتقد است؛ نمونه‌گیری نظری را برای توسعه مقوله‌های در حال ظهور و برای نهایی کردن و سودمندتر کردن آنها به کار می‌گیریم. از این رو هدف این نوع نمونه‌گیری پالایش ایده‌ها برای افزایش اندازه نمونه اولیه نیست. نمونه‌گیری نظری به پژوهشگر در شناسایی مرزهای مفهومی و تعیین انطباق و تناسب مضامین کمک می‌کند (Charmaz, 2000: 519).

۶. یافته‌های پژوهش

همانطور که ذکر شد؛ روش استفاده شده در این پژوهش روش تحلیل مضمون است. بر این اساس، ابتدا متن بیانیه گام دوم انقلاب چندین بار با دقت مطالعه شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، سپس مضامین مرتبط با حوزه‌ی اقتصاد احصاء شد. ابتدا ۴۳ گزاره کلیدی مربوط به حوزه اقتصاد از متن بیانیه استخراج شد، پس از آن با بررسی این جملات ۲۱ مضمون پایه تعیین شد، سپس با دسته‌بندی این مضامین ۱۰ مضمون سازمان دهنده به دست آمد و در نهایت با دسته‌بندی این مضامین ۴ عبارت به عنوان مضمون فراگیر ارائه شد. ارتباط مضامین فراگیر با سایر مضمون‌ها در قالب شبکه مضامین ترسیم شد.

جدول ۲. مضامین برگرفته از مفاهیم اقتصادی بیانیه گام دوم

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	مدیریت جهادی و اصل ما می‌توانیم عامل عزت و پیشرفت ایران	مدیریت جهادی و تقویت اراده ملی	دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی
۲	انقلاب عامل تقویت اراده ملی و میدان‌داری جوانان		
۳	تحریم‌ها باعث اتکا به توان داخلی		
۴	انقلاب باعث پیشرفت در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیر ساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی		
۵	پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه سلامت، کشاورزی و صادرات		
۶	جابجایی ثروت از مرکز به همه نقاط کشور اصلاح امور کشاورزی و...		
۷	ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم نظیر کشور ایران	توجه ذخایر غنی ظرفیتهای طبیعی و استفاده از ظرفیت فراوان بالقوه و استفاده نشده و تولید ثروت پایدار	پیشرفت اقتصادی
۸	ثروتمندی ایران به لحاظ ذخایر معدنی و منابع زیر زمینی و حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی.		
۹	وظیفه جوانان مؤمن و پرتلاش در بهره‌برداری از ظرفیت‌های استفاده نشده در بخش تولید و اقتصاد ملی		
۱۰	اقتصاد قوی نقطه قوت و اقتصاد ضعیف زمینه ساز نفوذ و سلطه		
۱۱	تأکید بر اقتصاد مستقل و مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت محور		
۱۲	سیاست‌های اقتصاد مقاومتی راه حل برون رفت از مشکلات		
۱۳	اقتصاد درون‌زا و مولد ودانش بنیان و مردمی راه حل برون رفت از مشکلات اقتصادی		
۱۴	وجود راه حل همه مشکلات در درون کشور		
۱۵	عملکرد ضعیف مدیریت	چالش درونی	چالش‌های اقتصاد کشور
	عیوب ساختاری		
۱۶	تحریم		
۱۷	وسوسه‌های دشمن	چالش بیرونی	
۱۸	لزوم وجود دستگاهی تیزبین و کارآمد برای مبارزه با فساد اقتصادی	مبارزه با فساد اقتصادی	امنیت اقتصادی
۱۹	طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات جمهوری اسلامی		
۲۰	حمایت از مستمندان و محرومان		
۲۱	مبارزه با ویژه خواری و بی عدالتی	حمایت از محرومان و مبارزه با ویژه خواری	



شکل ۱. شبکه مضامین اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب

۱-۶. دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی

نگاهی واقع بینانه و منصفانه به واقعیات کنونی جامعه‌ی ما و مقایسه آن با وضعیت قبل از انقلاب و سایر کشورهای مشابه، بیانگر این حقیقت است که نظام اسلامی علی‌رغم وجود موانع و محدودیت‌های تاریخی و ساختاری داخلی و بین‌المللی و مشکلات ناشی از وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و... دستاوردها و نتایج بسیار مثبت و چشمگیری در عرصه‌های مختلف؛ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و تکنولوژیکی، نظامی و... داشته

است. تکیه بر توان داخلی، حرکت در مسیر اقتصاد اسلامی، توسعه صنایع و بومی سازی، هزاران شرکت دانش بنیان و طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران، حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن و... همه از برکات انقلاب اسلامی است.

جمهوری اسلامی ایران تقریباً از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی سازی اورانیوم این تحریم‌ها وارد دور تازه‌ای شد. اظهارات مکرر مقامات آمریکایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که به زعم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران چالشی جدی برای منافع و امنیت آمریکا و اسرائیل و حتی ثبات خاورمیانه است (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲).

تحلیل‌گران و مقامات غربی هدف از تحریم‌ها را واداشتن جمهوری اسلامی ایران به متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای، محدود کردن توانایی ایران در دستیابی به اقلام و تجهیزات موردنیاز برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای، واداشتن ایران به متوقف کردن حمایت از حزب الله و حماس، وادار نمودن ایران به رعایت حقوق بشر، محدود کردن حوزه نفوذ ایران در منطقه و در مجموع به عبارت دیگر، برخی سیاستگذاران آمریکایی ایجاد تغییر بنیادین در رویکردها و سیاست‌های ایران ذکر کرده‌اند (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲). اما جوانان و دانشمندان ما ثابت کردند که با برنامه‌ریزی مناسب نه تنها تحریم‌ها تأثیر چندانی بر اقتصاد کشور نخواهد داشت؛ بلکه به فرصتی طلایی برای پیشرفت در اقتصاد، تولید، صنعت و استفاده از توان داخل تبدیل خواهد شد. بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری تحریم‌ها برای ما مایه برکت است، دستاوردهای با ارزشی در عرصه صنعت و علم و فناوری و کشاورزی داریم که در اثر همین تحریم‌ها بدست آورده‌ایم.

۶-۲. پیشرفت و توسعه اقتصادی

اصطلاح پیشرفت و توسعه 'بیش از نیم قرن اقتصاددانان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول کرده و آنان را به طرح مباحث گوناگون در موضوع توسعه واداشته است که تمام آنها معطوف به حل مشکل کشورهای جهان سوم و توسعه آنها بوده است. به طور مشخص توسعه به عنوان

يك اصطلاح در ادبیات اقتصادی از دهه چهل میلادی به این سو، رواج یافته است (وافگانگ، ۱۳۷۷: ۲۳). در تمامی تحولات مفهومی، واژه پیشرفت و توسعه که صادر شده از غرب به جهان سوم بود، دو چیز ثابت بود: نخست مقایسه کشورهای توسعه نیافته (کشورهای جنوب) یا جهان سوم با کشورهای توسعه یافته (کشورهای شمال) و معیار قرار گرفتن آنان در تعریف و الگوی توسعه و دوم نقش و کارکرد واژه توسعه. از آنجا که صدور مفهوم توسعه به جهان سوم به ناچار همراه با تحمیل شبکه‌ای از مفاهیم مانند فقر، برابری، نیاز، تولید، محیط زیست، مشارکت، سطح زندگی و دولت بود، برای دستیابی به يك تعریف یا نظریه توسعه، باید همه این مفاهیم تعریف می‌گردید و این در حالی بود که این مفاهیم از قبل، تعریف‌های تغییرناپذیری را با خود از غرب به همراه داشت که به سادگی، گریز از بار مفهومی وارداتی آنها میسر نبود. در نتیجه؛ توسعه به هر نحو که تعرف یا مدل‌سازی می‌شد، کارکرد استعماری خود را حفظ می‌نمود (ایزدی، ۱۳۹۵). نمونه‌هایی از تعاریفی که به طور مشخص از پیشرفت و توسعه به معنای عام و یا به معنای اقتصادی آن ارائه شد عبارتند از:

- فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه،
- بهبود و رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۰۴)،
- پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۸۲)،
- فرایندی است که طی آن تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و فقر، نابرابری اقتصادی و بیکاری کاهش پیدا می‌کند و رفاه همگانی نسبی به وجود می‌آید و این امر از طریق سرمایه‌گذاری و تغییر و تحول در مبانی علمی - فنی تولید حاصل می‌شود (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

بنابراین با توجه به رویکردهای جدید به توسعه و با گذشت يك دهه، تجربه کشورهای که برای تحقق توسعه، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند، می‌توان گفت که توسعه تنها پدیده‌ای اقتصادی نیست، بلکه حالتی است که ابعادی غیراقتصادی را نیز شامل می‌شود؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، و مانند آن‌ها (وافگانگ، ۱۳۷۷: ۲۴).

۶-۳. رابطه دین با پیشرفت و توسعه اقتصادی

در آیات و روایات، واژه توسعه به کار نرفته است؛ اما آموزه‌های متعالی و مفاهیمی غنی در آنها وجود دارد که تا حدی مفهوم توسعه به معنی امروزی را افاده می‌کند یا عوامل لازم آن را معرفی می‌نماید. مجموعه مفاهیم و آموزه‌های متعالی مزبور در بعد اقتصادی می‌تواند؛ مفهوم بسیط و پایه‌ای از توسعه را در اختیارمان قرار دهد که به دور از نقش فریب‌کارانه و کارکرد استعماری واژه توسعه غربی است. مفهومی که در بردارنده رونق، شکوفایی، خود اتکایی، عدالت و معنویت اقتصادی است (ایزدی، ۱۳۹۵). ادیان الهی بویژه دین مبین اسلام، نه تنها بر توسعه از جمله توسعه اقتصادی تأکید کرده‌اند و ارکان و عوامل آن را تبیین نموده‌اند، باید اذعان کرد که در عمل نیز پیشرفت و توسعه در تمام ابعاد مانند فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از تلاش و کوشش یا توصیه و سفارش آن رسولان الهی و اصحاب صادق آنان نشأت گرفته است. لکن، عقب‌ماندگی جوامع اسلامی از تعالیم و حیانی و عملکرد غیر اسلامی برخی حکومت‌ها در جوامع اسلامی، این پندار نادرست را بوجود آورده که توسعه يك امر عقلانی صرف است. از همین رو، عده‌ای توسعه را امری جدای از دین تلقی کرده‌اند؛ حتی برخی دین را ضد آن قلمداد نموده‌اند (ایزدی، ۱۳۹۵). اسلام در توسعه اقتصادی مطلوب خود از ارکان و اصول عام توسعه و پیشرفت که مورد توجه همه مکاتب است، غافل نبوده و بدان توجه لازم مبذول داشته است. البته آن چه ممکن است محل بحث باشد، میزان نقش و تأثیر اصول و ارکان شش‌گانه‌ی ذیل در مسیر توسعه و افق حرکت آن‌ها، براساس تعریف و هدف فرض شده برای توسعه، است. این شش عنصر که پایه‌های توسعه اقتصادی بوده و هر يك، جایگاهی در خور و نقشی مهم در این جهت ایفا می‌کند عبارتند از: دانش، برنامه‌ریزی، کار، بازار، مصرف و دولت. کلمات پیشوایان دین، آکنده از آموزش‌های پربار و گرانبها در باب این ارکان و نقش آنها است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص، نکاتی بیان فرمودند: «نکته‌ی اول، این است که ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود... آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست. غربی‌ها يك تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن، این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته. در وهله اول، انسان خیال می‌کند توسعه یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفت‌های برخوردار است.

توسعه نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید؛ یعنی در حال توسعه و توسعه نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت، وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی، با همه خصوصیاتش؛ فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت گیری سیاسی اش؛ این توسعه یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است. توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست...؛ لذا ما مجموعه غربی شدن، یا توسعه یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم، چیز دیگری است. مطلب دوم، این است که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد... نکته بعدی هم نکته مهمی است؛ مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی، تعیین کننده است... مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه. البته یک تقاطع اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته غربی کاملاً وجود داشته. روح خطر پذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپایی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است. در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آن‌ها را فرا بگیریم و عمل کنیم» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). در واقع، ایشان گرچه به وجود مشکلات اقتصادی واقف هستند، اما، آن را بدون راه حل نمی‌دانند و با نگاه امیدبخش معطوف به رفع موانع به تشریح آن‌ها می‌پردازند و همچنان که از سال‌ها قبل تأکید داشته‌اند، تنها راه برون رفت از این مشکلات را نیز اقتصاد مقاومتی می‌دانند که برای تحقق این موضوع به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، باید آن را به عنوان یک گفتمان پذیرفته شده در بیاوریم.

از منظر مقام معظم رهبری، راهکار برون رفت از مشکلات اقتصادی اجرای سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی، عدالت گستری و مبارزه با فساد است. ایشان به صراحت عنوان کرده‌اند که این مشکلات برای نظامی همچون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی می‌باشد، بسیار جدیدتر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. لذا، برای اجرای شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود.

۶-۴. امنیت اقتصادی

امنیت یکی از نیازهای فطری بشر و ایجاد آن همواره مهم‌ترین فلسفه وجودی دولت‌ها بوده است. معروف است که بعد از نان و قبل از آزادی، مهم‌ترین نیاز بشر امنیت است. امنیت ملی چند بعد دارد که عبارتند از: امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت اجتماعی. در عصر جهانی شدن، اقتصاد و انفجار اطلاعات و کمرنگ شدن مرزهای سیاسی، امنیت اقتصادی به یکی از اصلی‌ترین وجوه اعتبار امنیت ملی تبدیل شده است. با پایان جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۵ میلادی بر امنیت اقتصادی^۱ و امنیت سرمایه‌گذاری^۲ در کنار تعارضات سیاسی توجه شد. باری بوزان می‌نویسد که در این مقطع، در غرب از حکومت‌ها خواسته شد که برای مردم خود، امنیت اقتصادی ایجاد کنند و دولت‌ها هم از آن زمان تاکنون ایجاد امنیت اقتصادی را به مثابه یک پیش شرط مهم رشد و توسعه اقتصادی در سرلوحه اهداف خود قرار داده‌اند. لازم به یادآوری است که امنیت اقتصادی در تعامل با امنیت سیاسی و رفع شرایط خشونت آمیز معنا می‌یابد (۶۰) (pinheiro, ۱۹۹۷). امنیت اقتصادی را می‌توان مجموعه‌ای بهم پیوسته از متغیرها و عوامل اقتصادی به شمار آورد که ماهیتی اقتصادی دارند، اما تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها به حوزه‌ی اقتصاد محدود نمی‌شود و حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را دربر می‌گیرند. امنیت اقتصادی وضعیتی است که در آن واحدهای تولیدی بتوانند، بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند. در نگاهی دیگر، امنیت اقتصادی این گونه تعریف می‌شود: «فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی، سیاسی که در چارچوب آن طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند از آغاز تا اجرا و بهره‌برداری و

1. economical security

2. investment security

نهایتاً پایان کار، بدون اخلال و آشفتگی بیرونی عمل نمایند» (Shoven, 2008). بیژن آبادی امنیت اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کند: «امنیت اقتصادی اصول ایجاد و تثبیت يك بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است، این بستر اصولاً حقوق فرد را در رابطه با کلیه فعالیت‌های اقتصادی وی تضمین می‌کند و عملکرد متقابل او با سایر افراد جامعه را عم تعریف می‌کند» (رنجبر، ۱۳۸۹).

اهمیت امنیت اقتصادی: بدون وجود امنیت هیچ میزان توسعه و پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... ممکن نیست. اصولاً، نظام اقتصادی هر کشور در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد، برای کشورهای در حال توسعه اولین و مهمترین گام، دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پناه آن به يك نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی مطلوب منابع دست یافته و آنگاه به رفاه اقتصادی که هدف هر اقتصاد توسعه یافته‌ای است برسند. امنیت اقتصادی به عنوان چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، اقتصادی، اداری، اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری‌های مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش عدم اطمینان و نگرانی از آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌آورد. امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی و از اصول مهم و زیرساخت‌های اساسی کشور برای دستیابی به توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و از این رو، همیشه مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها بوده است (عزتی، ۱۳۸۷: ۷). امنیت اقتصادی بخصوص از سال ۱۹۴۵ جایگاه والایی در دستور کار سیاسی حکومت‌ها یافته است به گونه‌ای که؛ یکی از اهداف عمده حکومت‌ها در ایجاد این امنیت، تبلور دارد و دستیابی به اهداف آن واقع‌گرایانه تلقی می‌شود. امنیت اقتصادی آنقدر مهم است که غالباً حکومت‌ها آن را در دستور کار امنیت ملی خود قرار می‌دهند.

مفهوم امنیت اقتصادی در بیانات رهبر معظم انقلاب اینگونه مطرح می‌گردد: «امنیت اقتصادی، یعنی اینکه انسان‌ها و آحاد مردم این کشور، از هر قشری، بخواهند کار اقتصادی بکنند- چه کار صنعتی، چه کار کشاورزی، چه سرمایه‌گذاری، چه تجارت- بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهد شد، اما این معنایش آن نیست که آن کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ‌وخم‌های اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروت‌های نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان

امنیت اقتصادی انجام دهند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۸/۶/۱۰).

امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، موهبتی الهی است که در کنار سایر نیازهای انسانی مانند نیاز به آب و غذا مطرح شده است؛ «الذین اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» یعنی؛ نجات از گرسنگی را با نجات از ناامنی در کنار هم قرار داده است (رهبر معظم انقلاب، ۱۱/۰۲/۱۳۷۰). از آنجا که امنیت به مثابه موهبتی الهی مطرح است، لذا پاسداری از امنیت نیز عبادت و امری معنوی است (باصری، ۱۳۸۷: ۴۴).

- سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی

۱. حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع،
۲. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه‌ی الزامی دولت و مجلس است،
۳. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند،
۴. نظارت، رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد،
۵. شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه‌ی اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰). بی‌شک مبارزه با عاملین ناامنی در حوزه‌ی اقتصادی موجب بازگشت روی خوش آرامش به بازارها می‌شود که خود، گام نخست در بهبود اوضاع اقتصادی به حساب می‌آید و دیگر دستگاه‌ها را در رسیدن به وضعیت مناسب اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و ریشه‌کنی مفسدان اقتصادی که از خواسته‌های رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم است یاری می‌کند.

پایش مستمر حرکت اقتصادی کشور در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌ها، تدوین، تنظیم و تصویب

قوانین، مقوررات و آیین نامه‌های مفید، مؤثر و بروز متناسب با فعالیت‌های اقتصادی امروزی جهت برقراری امنیت در حوزه اقتصاد، حمایت دولت و دولتمردان از نیروهای امنیتی، ارائه آموزش‌های مفید و هدفمند در جهت توجیه هر چه بهتر این نیروها، چابکی بیشتر دستگاه قضایی در رسیدگی دقیق و عادلانه به پرونده‌های مفاسد اقتصادی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند فضای اقتصاد کشور را مملو و از عطر امنیت ساخته و حرکت مستمر و رو به رشد آن را تسریع بخشد.

۵-۶. چالش‌های اقتصاد کشور

یکی از چالش‌های دنیای امروز، مشکلات اقتصادی است. ریشه این مشکلات به سه مسئله‌ی عمده تولید ناکافی، توزیع ناعادلانه و مصرف ناصحیح بر می‌گردد، اما نظام جمهوری اسلامی ایران که علاوه بر این چالش فراگیر، به دلیل تحریم‌های اقتصادی دشمنان، نیز تحت فشار است، این مشکل دوچندان و پرداختن به آن از اهمیت بالایی برخوردار است. دغدغه‌های مقام معظم رهبری و جهت‌گیری‌های شعار سال از حدود یک دهه پیش تاکنون و طرح اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان، به مثابه‌ی نسخه شفابخشی است که برای مداوای بیماری اقتصادی تجویز و ابلاغ شده است.

ریشه مشکلات اقتصادی، بیش از آن که به کاستی‌ها و کمبودها برگردد، به فرهنگ مدیریت و رفتارهای ناصحیح بر می‌گردد. بهترین راهکار برای برون رفت از این چالش که رهبری در بیانیه گام دوم به آن اشاره کرده‌اند، بازسازی فرهنگ، اصلاح نگرش و مدیریت بر رفتارها و نیز اصلاح ساختار اقتصادی است. در این راستا، ایشان تحریم را به عنوان یک چالش خارجی و عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی به عنوان یک مانع داخلی دانسته‌اند. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف، وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح، مشکل درونی کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد.

«اگر ما در اقتصاد کشور، اقتصاد را به یک بدن انسان تشبیه بکنیم، سیستم دفاعی و

امنیت بخش اقتصاد عبارت از تولید است؛ یعنی آن چیزی که می‌تواند ویروس‌های مهاجم و میکروب‌های مهاجم به اقتصاد را خنثی بکند و آن را سالم نگه دارد، تولید در کشور است، اگر ما همواره تولید خوب و مناسب و شایسته و رو به رشد در کشور داشته باشیم، در مقابل این ویروس‌هایی که طبیعتاً وجود دارند - که البته اقتصاد ما متأسفانه دچار میکروب‌ها و ویروس‌های طبیعی متعددی است؛ ویروس‌های دست‌ساز هم هستند، مثل تحریم، مثل همین مسئله‌ی قیمت نفت؛ اینها حوادثی هستند که به اقتصاد ضربه می‌زنند - می‌توانیم مقاومت بکنیم.» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷). «در اقتصاد، اگر ما قوی شدیم و قدرتمند شدیم، دیگر تحریم معنی ندارد و تحریم یک کار زائندی می‌شود؛ اگر ما در داخل توانستیم اقتدار اقتصادی به دست بیاوریم، آن‌ها خودشان می‌آیند به در یوزگی، می‌آیند دنبال ارتباط اقتصادی؛ نه [فقط] تحریم نمی‌کنند، بلکه اگر ما تحریم کنیم، آنها می‌آیند می‌گویند تحریم نکنید؛ طبیعت کار این است.» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶) مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، اقتصاد را در جامعه اسلامی، نه یک هدف بلکه به عنوان یک وسیله در نظر می‌گیرند. ایشان، دو تهدید عمده در نظام اقتصادی را عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی (عامل دورنی) و خباثت‌های دشمن و تحریم‌های اقتصادی (عامل بیرونی) عنوان می‌نمایند.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به ۷ سرفصل مهم توصیه کرده‌اند که برای طی مسیر آینده و رسیدن به چشم‌انداز نهایی و ایجاد تمدن نوین اسلامی باید سرلوحه اقدامات در کشور قرار گیرد که سومین محور آن اقتصاد است. در این بیانیه، اقتصاد به عنوان نقطه کلیدی تعیین‌کننده تلقی می‌گردد و به عنوان ابزار اصلی تحقق هدف جامعه اسلامی ایفای نقش می‌کند. توصیه‌ی اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب در دو بخش اصلی آمده است؛ بخش اول دستاوردها و برکاتی است که در چهل سال اول انقلاب در حوزه اقتصاد بدست آمده است. بخش دوم عیوب و چالش‌هایی است که در چهل سال دوم با آن مواجه خواهیم بود و در نهایت، مهم‌ترین راه حل‌ها برای عبور از این عیوب و چالش‌ها بیان شده است. در پژوهش حاضر که به روش تحلیل مضمون انجام شد؛ مؤلفه‌های اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب تعیین و مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس برای یافتن مضامین اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب، ابتدا ۴۳ گزاره‌ی

کلیدی مرتبط باحوزه اقتصاد از متن بیانیه احصاء شد، سپس با بررسی این عبارات ۲۱ مضمون پایه به دست آمد. با دسته‌بندی مضامین پایه به ۱۰ مضمون سازمان دهنده و در نهایت ۴ مضمون فراگیر دست یافته شد. ارتباط این مضامین فراگیر با سایر مضمون‌ها در قالب شبکه مضامین ترسیم شد. ۴ مضمون فراگیر، شامل دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصادی برگرفته از مفاهیم اقتصادی بیانیه مورد بحث و مذاقه قرار گرفتند.

دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی در حوزه‌ی اقتصادی بسیار چشمگیر و مثبت است، تکیه بر توان داخلی، حرکت در مسیر اقتصاد اسلامی و هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های صنعت، عمران و کشاورزی همه از برکات انقلاب اسلامی است. در بیانیه گام دوم انقلاب از اقتصاد قوی در مقابل اقتصاد ضعیف نام برده شده است. دلیل تأکید بر تشکیل اقتصاد قوی مستقل، از طرفی ایجاد رفاه برای مردم و از طرف دیگر ایجاد زمینه، برای تمدن‌سازی اسلامی است. اگر اقتصاد ما به گونه‌ای باشد که به خواست و اراده دشمن بی‌ثبات گردد، در تمدن‌سازی اسلامی موفق نخواهیم شد، هم‌چنین اقتصاد ضعیف موجب نفوذ و در مرحله بعدی دخالت و در نهایت سلطه دشمنان خواهد شد.

پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز همواره مورد توجه اسلام و همه مکاتب بوده است، رهبر معظم انقلاب با اشراف کامل به نظریه‌های اقتصاد اسلامی در بیانیه گام دوم، اقتصاد را نه به عنوان یک هدف، بلکه به عنوان وسیله پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی در نظر گرفتند و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، حمایت از عدالت توزیعی و تولید مبتنی بر کیفیت را از مصادیق تحقق آن در گام دوم می‌دانند. هم‌چنین، از مبارزه با عوامل ناامنی در حوزه اقتصاد و ریشه‌کنی مفاسد اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی به عنوان فرصتی مهم برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور یاد می‌کند.

در واقع، اگر بخواهیم نگاه راهبردی به مفاهیم اقتصادی در بیانیه گام دوم داشته باشیم؛ می‌توانیم اینگونه بگوییم نیروی کار جوان، زیرساخت‌های علمی، دانشی و ظرفیت‌های طبیعی و فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور همگی نقاط قوت هستند. عملکرد ضعیف اقتصاد، عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی، اقتصاد وابسته، اقتصاد دولتی، نگاه به خارج و استفاده اندک از ظرفیت نیروهای انسانی کشور از نقاط ضعف حوزه اقتصاد به شمار می‌روند. تحریم‌ها

به عنوان فرصتی برای رسیدن به خودکفایی و مایوس کردن مسئولان و مردم از آینده توسط دشمنان تهدید اوضاع اقتصادی هستند. در خاتمه، می توان گفت مدیریت جهادی، بهره گیری از فرصت ها و ظرفیت ها، مبارزه با مفسد اقتصادی و طهارت اقتصادی و عدالت محوری از جمله راهبردها مهم و اساسی برای رسیدن به وضع اقتصادی مطلوب است.

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، تهران: نشر نی.
۲. آقانظری، حسن (۱۳۸۵). نظریه پردازی، اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان سمت.
۳. ایزدی، مهدی (۱۳۹۵)، «مفهوم، ارکان و شاخصه های پیشرفت اقتصادی از منظر قرآن و حدیث»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۸، صص ۱۸۴-۱۴۹.
۴. باصری، احمد (۱۳۸۷). «امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه پایتخت، سال اول، شماره اول، صص ۶۸-۲۹.
۵. ترابی کلاته قاضی، علی (۱۳۹۹). «بیانیه گام دوم انقلاب؛ سند طرح ریزی راهبردی حرکت در مرحله دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۰۰-۷۱.
۶. تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.
۷. رحمانی، مریم (۱۴۰۰). «قرائتی بر مانیفست گام دوم انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر نقش ناجا در باز ساخت سبک زندگی اسلامی - ایرانی»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۷۸-۵۵.
۸. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه های تولیدی، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.
۹. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.

۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاستهای کلی نظام، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.
۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۸)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۰)، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، سایت اینترنتی KHAMENEI.IR.
۱۴. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، جلد اول، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۵. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، به کوشش نقی دژاکام، تهران: نشر کیهان.
۱۶. رنجبر، محسن (۱۳۸۹). «اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاستگذاری اقتصادی کشور»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی خرداد و تیر ۸۹، شماره ۲۷۳ و ۲۷۴، صص ۲۳۵-۲۲۴.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران: نشر مرتضوی.
۱۸. لوییس، قدیر (۱۳۷۳). خودآموز اقتصاد، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران: نشر شبابویز.
۱۹. عزتی، مرتضی (۱۳۸۷). «امنیت اقتصادی در ایران»، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. گوهری مقدم، ابوذر (۱۴۰۰). «تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب» دوره ۱۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۰-۲۹۱.
۲۱. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۷). «بیانیه گام دوم انقلاب رهنامه پیشرفت ایرانی _ اسلامی» ، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۶ شماره ۳، پاییز، صص ۱۴-۶.
۲۲. منظور، داوود و مصطفی پور، منوچهر (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ویژه نامه کارنامه اقتصادی دولت سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۲-۲۱.
۲۳. وافگانگ، زاکس (۱۳۷۷). نگاهی نوبه مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی، تهران: نشر مرکز.

24. Pinheiro, Israel, (1997), consideration About Exchange controls, capital flight and country Risk, "new York, fall.
25. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
26. Shoven, John, (2008), Political Risk versus Market Risk in Social Security, Stanford University. available at :< http :// www. bc. edu / centers/ crr/papers/seventh paper/shoven. pdf>
27. Ruhode, Epias (2016), E-Government for Development: A thematic Analysis of zimbabwe's Information and communication Technology policy Documents, Electronic Journal of Information Systems in Developing countries, Vol. 73, No7, pp1-15, Dol:10. 1002/j. 1681-4835. 2016. tb00532. x.

